



**مروری بر ابزارهای سیاستی بانک مرکزی
در نظام بانکداری بدون ربا**

سیدکمال صادقی *

نسیم مهین اصلانی نیا **

سکینه سجودی ***

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تبریز

*** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تبریز

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۸۵	چکیده.....
۲۸۶	مقدمه.....
۲۸۶	۱- وظایف بانک مرکزی.....
۲۸۷	۲- مروری بر ادبیات موجود در زمینه ابزارهای بانک مرکزی.....
۲۸۹	۱-۲- نرخ تنزیل.....
۲۹۱	۲-۲- عملیات بازار باز.....
۲۹۲	۳-۲- نرخ ذخیره قانونی.....
۲۹۴	۴-۲- تشویق اخلاقی.....
۲۹۴	۵-۲- نرخ تسهیم سود.....
۲۹۵	۶-۲- تعیین نرخ ارز.....
۲۹۶	۳- شیوه‌های مرسوم در کشورهای اسلامی.....
۲۹۸	نتیجه‌گیری.....
۲۹۹	کتاب‌نامه.....

چکیده

بانک مرکزی به‌عنوان مهم‌ترین رکن نظام بانکداری، نقش عمده‌ای در عملکرد نظام بانکی کشورها بر عهده دارد. بانک مرکزی می‌تواند با عملکرد مناسب و همچنین انتخاب ابزارهای اثربخش، نظام بانکی کشور را به سمت کارایی و شکوفایی سوق دهد. بنابراین، شناسایی روش‌ها و ابزارهای صحیح برای تأثیرگذاری کارا بر نظام بانکی می‌تواند بانک مرکزی را در هدایت سیستم بانکی کشور به سمت ایجاد رشد و توسعه مالی هدایت کند. مطالعات فراوانی به بررسی جنبه‌های مختلف ابزارهای پولی و قانونی بانک مرکزی در نظام بانکداری رایج و مرسوم در جهان پرداخته‌اند. لیکن در مورد بانکداری اسلامی تنها مطالعات اندکی بر این مهم تأکید کرده و توجه داشته‌اند. در این مطالعه ابزارها و عملکرد بانک مرکزی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس پیشنهادهایی برای تعدیل روش‌های کنونی که تقلیدی از بانک‌های مرکزی غربی بوده و در نتیجه براساس نظام بانکداری ربوی می‌باشد، ارائه شده است.

مقدمه

ادبیات گسترده‌ای در زمینه بانکداری مرکزی در اقتصادهای سود محور وجود دارد. این ادبیات شامل جنبه‌های مختلف قوانین، سیاست‌های پولی و حقوقی و سازمانی بانک مرکزی می‌باشد. لیکن سوگمنده در حوزه بانکداری اسلامی کار زیادی صورت نگرفته و تحقیقات و مطالعات بسیاری را می‌طلبد. در مقاله حاضر، به امکان‌سنجی استفاده از ابزارهای جدیدی که اولاً متناسب با اقتصاد اسلامی و بانکداری بدون ربا باشد و ثانیاً بتوانند نیازهای بانک مرکزی را در اجرای سیاست‌ها و وظایف مشابه خود با بانک‌های مرکزی در اقتصادهای سودمحور رفع کنند می‌پردازیم. بدین منظور ابتدا کارکردها و وظایف بانک‌های مرکزی را بررسی کرده و سپس به تشریح راه‌ها و روش‌هایی خواهیم پرداخت که بانک مرکزی از طریق این روش‌ها می‌تواند با تعدیل و تغییر ابزارهای موجود در اقتصاد سود محور، به ابزارهای متناسب و مطابق با قوانین، کارکردها و وظایف بانک مرکزی در چارچوب بانکداری اسلامی دست یابد.

۱- وظایف بانک مرکزی

هرچند فهرست‌های بلند و کوتاه مختلفی از وظایف فنی، اجرایی و ... را می‌توان برای بانک‌های مرکزی تهیه کرد، اما در اقتصاد اسلامی، همانند اقتصاد سودمحور، کارکرد اصلی بانک مرکزی و کنترل تولید ناخالص ملی^۱ اسمی است. به عبارت دیگر، نقش اولیه بانک مرکزی، حفظ ذخایر کافی و عرضه پول برای جلوگیری از نوسان‌های شدید در سطح قیمت‌ها و نرخ بیکاری است. بدین معنا که تولید اسمی و اشتغال کشور باید نزدیک به نرخ طبیعی خود نگه داشته شود. در حقیقت هدف سیاست پولی باید کاهش نوسان‌های تولید و اشتغال باشد (زنگنه و سلام،^۲ ۱۹۹۳).

بانک مرکزی همزمان با حفظ سطح تولید در نرخ طبیعی آن، باید در نگهداری ارزش پول نیز در یک سطح ثابت و پایدار، از سیاست‌های مناسبی استفاده کند. این نقش بانک مرکزی بنا به دلایلی در اقتصادهای اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. افزون بر امکان وجود بی‌عدالتی در توزیع دوباره درآمد و نااطمینانی که در شرایط تورمی پدیدار می‌شود، حفظ ارزش پول در چارچوب اقتصاد اسلامی به دلیل جایگاه مهم صداقت و عدالت در کلیه روابط و مناسبت‌های اجتماعی در جامعه اسلامی، از اهمیت بیشتری برخوردار است. به‌طور کلی، تورم دارای آثار

^۱ GNP: Gross National Product

^۲ Zangeneh & Salam

نامطلوبی بر روابط سیاسی- اجتماعی و اقتصادی جامعه، به خصوص رفاه اقتصادی دارد. تورم، موجب تحلیل و از بین رفتن پس انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری و توسعه در بلندمدت می‌شود. تورم، سطح استاندارد زندگی افراد طبقات پایین جامعه را که اغلب از قدرت چانه‌زنی نیز برخوردار نیستند کاهش می‌دهد و این در تمامی نظام‌ها، به خصوص در نظام اسلامی بی‌عدالتی به‌شمار می‌رود (شیخ^۱، ۲۰۱۰).

بانک مرکزی باید نقش قرض‌دهنده به نظام بانکی را داشته باشد تا از ورشکستگی بانک‌ها جلوگیری کند. در نظام بانکی، قوانین باید به‌نحوی تنظیم شوند که سود سپرده‌گذاران به خصوص سرمایه‌گذاران خرد محفوظ بماند. با مدیریت مناسب و جوجه بانکی و جلوگیری از خلق بیش از حد اعتبار توسط بانک‌های تجاری، بانک مرکزی می‌بایست از ورشکستگی این بانک‌ها که به زیان کل جامعه است جلوگیری کند (صدیقی ۱۹۸۶، ص. ۲۰).

همچنین بانک مرکزی باید با سایر سازمان‌ها برای دستیابی به رشد اقتصادی متوازن و توسعه اقتصادی که متناسب با ویژگی‌های عدالت اجتماعی و توزیع منصفانه درآمد و ثروت باشد، هماهنگ بوده و همکاری کند. در کنار این وظایف اولیه، بانک مرکزی دارای وظایف قانونگذاری برای نظام بانکی و دولت مانند قوانین مبادلات بانکی، قوانین مالی و ایفای نقش به‌عنوان بانک بانک‌های تجاری و بانک دولت نیز می‌باشد. سرانجام، از بانک مرکزی انتظار می‌رود که ارزش پول داخلی را در سطحی نگه دارد که امکان تجارت بین‌المللی سالم وجود داشته باشد. این بدان معنا نیست که بانک مرکزی نباید به دیگر جنبه‌های سیاست‌های پولی و توسعه اقتصادی مانند توزیع دوباره درآمد یا تخصیص منابع، بی‌توجه باشد. بلکه باید به‌نحوی ابزارهای سیاستی خود را انتخاب کند که منجر به دستیابی به اهداف پولی و توسعه اقتصادی شود، بدون اینکه کوچک‌ترین صدمه‌ای برای بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه، در بر داشته باشد.

۲- مروری بر ادبیات موجود در زمینه ابزارهای بانک مرکزی

هر چند بانک مرکزی در چارچوب اقتصاد اسلامی، نمی‌تواند از همه ابزارهای مرسوم در سایر بانک‌های مرکزی بهره‌بردار، لیکن می‌تواند از بسیاری از این ابزارها استفاده کند. بی‌گمان، در کیفیت، ترکیب، محتوا و کاربردهای این ابزارها در چارچوب اقتصادی تفاوت‌هایی وجود دارد.

¹ Shaikh

² Siddiqi

اما در بسیاری از موارد با اصلاح و تعدیل ابزارهایی که در محیط و شرایط دیگری استفاده می‌شوند، می‌توان ابزارهای متناسب با اقتصاد اسلامی به دست آورد که گاه این امر با جزئی‌ترین تغییرات و تعدیلات امکانپذیر است. تعدیل ابزارهای موجود و آشنا، هزینه کمتری را برای اقتصاد در مقایسه با حالتی که درصدد جایگزینی سیستم موجود با یک سیستم جدید و احتمالاً ناآشنا باشیم، تحمیل خواهد کرد. برخی از محققان مانند صدیقی^۱ (۱۹۸۲)، خان^۲ (۱۹۸۲)، چابرا^۳ (۱۹۸۳)، اوزایر^۴ (۱۹۸۲) و زنگنه و سلام (۱۹۹۳) به ابزارهای مختلفی برای انجام وظایف بانک مرکزی معرفی کرده‌اند که در ادامه به معرفی برخی از این ابزارها پرداخته و سپس مطابق با مطالعه زنگنه و سلام (۱۹۹۳) به بررسی ابزارهایی خواهیم پرداخت که در حال حاضر در نظام بانکی سود محور استفاده می‌شود و می‌توان با تعدیل آن‌ها به ابزارهای متناسب با نظام اقتصاد اسلامی رسید.

صدیقی (۱۹۸۲)، از پیشگامان طراحی ابزارهای بانکداری اسلامی است. وی ابزاری با عنوان نرخ تأمین مالی دوباره^۵ را معرفی کرده است که به بانک مرکزی پیشنهاد می‌کند که برای جلوگیری از کاهش انگیزه بانک‌های تجاری به پرداخت تسهیلات با سود صفر، بخشی از این تسهیلات را بانک مرکزی تأمین مالی نماید. نرخ تأمین مالی دوباره، نیز از ابزارهای بانک مرکزی است که با آن می‌تواند میزان نقدینگی بانک‌های تجاری را متأثر کند. بانک مرکزی، با عرضه منابع مالی جدید به بانک‌های تجاری در برابر وام‌دهی این بانک‌ها به افراد یا اهداف خاص، در واقع سیاست پولی انبساطی را اجرا کرده و بر نقدینگی بانک‌های تجاری می‌افزاید. در واقع بانک مرکزی معادل درصدی از نوع خاصی از وام پرداختی بانک‌های تجاری به افراد را به بانک‌ها وام می‌دهد و با افزایش یا کاهش این درصد، بر تمایلات و ظرفیت بانک‌های تجاری در ارائه انواع خاصی از وام‌ها اثر می‌گذارد.

خان (۱۹۸۲)، ابزار نرخ قرض‌الحسنه را پیشنهاد می‌کند که مطابق آن بانک مرکزی، بانک‌های تجاری را مجبور به واگذاری درصدی از سپرده‌های بلندمدت خود به صورت تسهیلات بدون نرخ سود می‌نماید.

چاپرا (۱۹۸۳) برای تعدیل دو ابزار بانکداری سرمایه‌داری یعنی نرخ تنزیل و عملیات بازار باز در بانکداری با نرخ سود صفر پیشنهادات زیر را ارائه می‌کند:

¹ Siddiqi

² Khan

³ Chapra

⁴ Uzair

⁵ Refinance Ratio

- ۱- بانک مرکزی باید قسمتی از پول خلق شده را در اختیار دولت، قسمتی را در اختیار بانک‌های تجاری و قسمتی را در اختیار مؤسسات مالی قرار دهد.
 - ۲- بخشی از سپرده‌های نزد بانک‌های تجاری (حدود ۲۵ درصد) باید به حساب دولت منتقل شود تا در پروژه‌های اجتماعی عام‌المنفعه به کار رود. در برابر آن دولت نیز ملزم به پرداخت هزینه‌های انتقال وجوه مربوطه به حساب خود می‌باشد.
 - ۳- بخشی از این سپرده‌ها نیز (حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد) باید نزد بانک مرکزی به‌عنوان ذخیره قانونی سپرده‌گذاری شود. بانک مرکزی نیز همانند دولت ملزم به پرداخت هزینه این انتقال وجه می‌باشد.
- اوزر^۱ (۱۹۸۲)، پیشنهاد می‌کند که بانک مرکزی به‌منظور دستیابی به منبع درآمد دائمی برای ایفای نقش وام‌دهندگی خود به‌عنوان آخرین راه‌حل^۲، می‌تواند ۲۵ درصد از سهام بانک‌های تجاری را به خود اختصاص دهد. لیکن باید به این نکته نیز توجه داشت که در این صورت تضاد منافع بین بانک مرکزی و مؤسسات بانکی خصوصی به وجود خواهد آمد.
- در میان مطالعات اشاره شده، جامع‌ترین مطالعه‌ای که به جای معرفی ابزار جدید به معرفی روش‌های تعدیل ابزارهای موجود پرداخته، مطالعه زنگنه و سلام (۱۹۹۳) است. به همین دلیل در زیر به مرور مبسوط روش‌های پیشنهادی در این مطالعه پرداخته می‌شود:

۱-۲- نرخ تنزیل

نرخ‌ی است که برای اندازه‌گیری کل اعتبار موجود در اقتصاد و تخصیص اعتبار موجود میان چند پروژه رقیب به کار می‌رود. بی‌گمان در شرایطی که بهره وجود ندارد، مطالبه سود قابل قبول نیست. لیکن می‌توان ابزاری همانند نرخ تنزیل ایجاد کرد که از حدود شرع نیز تجاوز نکند. بانک مرکزی می‌تواند در ازای وام پرداختی مورد نیاز بانک‌های تجاری، نرخ بازدهی به میزان متوسط نرخ بازده در بخش‌های مختلف اقتصادی، از آن‌ها مطالبه کند (که این نرخ بازده ممکن است مثبت یا منفی باشد) و سپس درصدی را بدان اضافه کرده یا کسر کند. در واقع بانک مرکزی به هنگام شرایط تورمی، با افزودن درصدی به نرخ بازدهی خواهد کوشید تقاضای وام را کاهش دهد. در شرایط رکود نیز با تخفیف می‌تواند مشوق تقاضای وام و سرمایه‌گذاری باشد. به این ترتیب بانک مرکزی نرخ از پیش تعیین نشده‌ای را از وام‌گیرندگان تقاضا می‌کند که به میزان نرخ سود

¹ Uzair

² Last resort

رایج در اقتصاد بستگی دارد، لیکن افزون بر نرخ سود رایج، دارای یک جزء پاداش یا تخفیفی است که بنا به شرایط اقتصادی موجود تعیین می‌شود. با وجود اینکه بانک مرکزی و بانک تجاری وام گیرنده هر دو از نرخ پاداش یا تنزیل آگاه هستند. لیکن چون نرخ سود اقتصادی نامشخص است، نرخ کلی نیز نامشخص خواهد بود و در نتیجه مغایرتی با شرع نیز نخواهد داشت. البته از آنجا که نرخ سود اقتصادی نامشخص است باید دنبال راه‌حلی برای تعیین آن نیز بود که چندان هم دشوار نیست. به هنگام ارائه وام، بانک مرکزی می‌تواند از اطلاعات ماه، فصل یا سال قبل برای محاسبه نرخ تقریبی سود استفاده کند. پس از تعیین مقدار حقیقی سود برای دوره زمانی مشخص، بانک مرکزی می‌تواند براساس شرایط مورد توافق طرفین، سهم خود را از سود یا زیان محاسبه کند. این محاسبات در عصر فناوری کنونی وقت و انرژی چندان را نمی‌طلبد و به‌آسانی قابل محاسبه است. این روش از تعیین نرخ قطعی سود و احتمال وجود شبهه ربا بودن در آن جلوگیری می‌کند. به‌همین دلیل می‌توان گفت این روش منافاتی با شرع نخواهد داشت (زنگنه و سلام^۱، ۱۹۹۳).

به‌منظور بیان بهتر این موضوع و روشن کردن رابطه آن با شرع از یک مثال ساده استفاده می‌کنیم. اگر فرض شود که اقتصاد در شرایط رکودی قرار داشته و بانک مرکزی با استفاده از سیاست‌های پولی انبساطی در صدد تحرک بخشیدن به بخش‌های اقتصادی است و آخرین نرخ سود برای نظام بانکداری نیز ۱۱ درصد ثبت شده باشد، بانک مرکزی می‌تواند با کسر نرخ تشویقی ۵ درصد، به‌طور علی‌الحساب نرخ بازدهی ۶ درصد را از مشتریان خود طلب کند. با تعیین این نرخ، بانک‌ها وام بیشتری را تقاضا کرده و آن را در فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خود به‌کار می‌گیرند. چنانچه رونقی در اقتصاد به‌وجود آید و موجب افزایش نرخ بازدهی تا نرخ فرضی ۱۵ درصد شود، بانک مرکزی باید یک‌بار دیگر به محاسبه سود و سهم خود از آن بپردازد. به این ترتیب که از ۱۵ درصد سود ایجاد شده، ۵ درصد به‌عنوان تشویق کسر می‌شود و ۶ درصد نیز که پیش پرداخت سود به‌طور علی‌الحساب بود کسر خواهد شد و سرانجام ۴ درصد سود اضافی به بانک مرکزی تعلق خواهد گرفت. لیکن اگر بانک وام‌گیرنده زیان ۱۰ درصدی را گزارش کند. در این صورت بانک مرکزی ۷۹ درصد از اصل وام پرداختی را مطالبه خواهد کرد. به این ترتیب که از ۱۰۰ درصد وام پرداختی، ۱۰ درصد به‌عنوان زیان حقیقی کسر خواهد شد. ۵ درصد نرخ تشویقی و ۶ درصد سود پیش‌پرداختی نیز کسر خواهد شد و سرانجام فقط ۷۹ درصد از اصل پول پرداختی توسط بانک مرکزی قابل مطالبه

¹ Zangeneh & Salam,

خواهد بود. البته باید توجه داشت که میزان نرخ تشویقی، سهم بانک مرکزی از زیان با توجه به قرارداد منعقد شده بین طرفین که مورد توافق هردو طرف است، تعیین می‌شود. هرچند ممکن است به‌کارگیری این قواعد در دنیای واقعی پیچیده به‌نظر برسد، لیکن همان‌گونه که قبلاً نیز بدان اشاره شد با مجهز شدن رایانه‌ای و روزانه بودن سیستم‌های حسابداری بانک‌ها و همین‌طور بانک‌های اسلامی، محاسبات یاد شده به‌آسانی قابل اجراست.

۲-۲- عملیات بازار باز

به خرید و فروش اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی برای تنظیم اعتبار و نقدینگی و نرخ سود در اقتصاد، اطلاق می‌شود. به‌رغم وجود این حقیقت که عملیات بازار باز در کشورهای کمتر توسعه‌یافته دارای کاربرد محدودی است، اما می‌توان با تغییراتی در این سیستم، ابزار مناسبی را برای اجرای سیاست‌های پولی در کشورهای اسلامی به دست آورد. بی‌گمان با توسعه بازارهای مالی در کشورهای در حال توسعه، به مرور زمان این ابزار نقش برجسته‌تری را به خود می‌گیرد. شاید در ابتدا به‌دلیل سود تعیین شده در این اوراق و مغایرت آن با بانکداری اسلامی، به‌نظر برسد که نظام بانکداری اسلامی از به‌کارگیری یک ابزار مهم تنظیم نقدینگی، محروم می‌باشد. لیکن با تغییراتی در این نظام می‌توان ابزاری به‌دست آورد که با وجود تفاوت‌های ماهیتی آن با اوراق خزانه، نقشی مشابه را ایفا کند. بانک مرکزی می‌تواند عملیات بازار باز را در قالب سهام مرکب اجرا کند. این سهام شامل مالکیت کلیه اموال دولت و بنگاه‌های دولتی است. استفاده از سهام مرکب نسبت به سهام واقعی بنگاه‌های دولتی و خصوصی دارای مزیت است. تجارت و خرید و فروش سهام مرکب از اعمال فشار بالقوه بر قیمت سهام یک بنگاه یا واحد خاص جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، بانک مرکزی نمی‌تواند از اختیارات خلق پول و حق ضرب خود به‌طور عمد یا غیرعمد در بازار سهام به دلایل نفع فردی یا هر دلیل دیگر استفاده کند. بنگاه یا شرکت مشخصی در سهام مرکب وجود ندارد که بتواند از آن برای منافع خود استفاده کند. همین‌طور، مقدار اموال و شرکت‌های دولتی به‌اندازه‌ای است که در اثر تغییر در مقدار خرید و فروش و عملیات بازار باز، قیمتشان به‌طور چشمگیر دچار نوسان و تغییر نخواهد شد (زنگنه و سلام^۱، ۱۹۹۳).

^۱ Zangeneh & Salam,

۳-۲- نرخ ذخیره قانونی

درصدی از ذخایر بانک‌های تجاری است که ملزم به ذخیره آن نزد بانک مرکزی هستند. اگر تصمیمات بانک مرکزی مبنی بر کاهش ذخایر در دسترس برای وام‌دهی توسط بانک‌های تجاری باشد، باید نرخ ذخایر قانونی خود را افزایش دهد و در مقابل به هنگام اجرای سیاست پولی انبساطی و افزایش میزان وام پرداختی، می‌تواند نرخ ذخایر قانونی خود را کاهش دهد. استفاده از نرخ ذخیره قانونی نتایج مختلفی را در پی خواهد داشت. حتی بانک مرکزی می‌تواند با تعیین نرخ ۱۰۰ درصد، قدرت خلق اعتبار بانک‌های تجاری را از آن‌ها بگیرد، هر چند این حالت غیرمحتمل و نامطلوب به نظر می‌رسد، لیکن ناممکن نیست. در این حالت، بانک‌های تجاری تا حد مؤسسات مالی تنزل خواهند یافت و قدرت خلق پول خود را به کلی از دست خواهند داد. ایده نرخ ذخیره قانونی توسط فیشر^۱ (۱۹۳۵) و سایمون^۲ (۱۹۴۸) و فریدمن^۳ (۱۹۶۹) برای نظام بانکی سنتی خود که متفاوت از عقاید اقتصاددانان اسلامی مانند کاهف^۴ (۱۹۸۲) و الجرحی^۵ (۱۹۸۱) است، پیشنهاد شده است. به عقیده سیمون نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰ درصد، ثبات نظام بانکداری را افزایش می‌دهد. به این ترتیب که:

سپرده‌گذاری ۱۰۰ درصد موجودی صندوق به‌عنوان ذخیره قانونی، از ورشکستگی بانک‌ها جلوگیری می‌کند و بانک‌های تجاری همانند بانک‌هایی که نزد آن‌ها وسایل خانگی یا سایر کالاها به امانت گذاشته می‌شود عمل می‌کنند و سپرده‌گذاران در این بانک‌ها از بازپرداخت وجه خود توسط بانک آسوده خاطر خواهند بود. در مقابل، سازمان دیگری می‌تواند وظیفه وام‌دهی را بر عهده بگیرد، این سازمان‌ها وجوه خود را از فروش سهام خود تأمین می‌کنند و قدرت وام‌دهی آن‌ها محدود به وجوهی خواهد بود که توانسته‌اند از فروش سهام به‌دست آورند، در نتیجه وام پرداختی محدودتر خواهد بود (سایمون، ۱۹۴۸؛ ص. ۶۴-۶۵).

این بحث محدود به سایمون نبوده و یک بار دیگر، اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی در پی ورشکستگی‌های گسترده بانک‌های تجاری در ایالات متحده آمریکا مطرح شد. تعدادی از نویسندگان مانند کارکین^۶ (۱۹۸۵)، گلمب و مینگو^۷ (۱۹۸۵) نیز از قانون نرخ ۱۰۰ درصد برای

^۱ Fisher

^۲ Simon

^۳ Friedman

^۴ Kahf

^۵ Al-Jarhi

^۶ Karecken

^۷ Golembe and Mingo

افزایش ثبات نظام بانکداری و جلوگیری از ورشکستگی آن‌ها دفاع کرده‌اند. گلمب و مینگو بر این باورند که سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری دو عمل جدا از هم بوده و باید توسط دو نهاد مختلف صورت بگیرد. به این ترتیب که سپرده‌گذاری اغلب به منظور حفاظت و به صورت امانت نزد بانک‌ها توسط افراد صورت می‌گیرد و این وجوه باید ۱۰۰ درصد قابل وصول در هر زمان باشند. از این رو باید ۱۰۰ درصد این وجوه نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری شود. در حالی که سرمایه‌گذاری به منظور شراکت در فعالیت‌های پورتفولیوی بانک‌ها صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، افرادی نیز وجود دارند که ذخایر قانونی را باری اضافی بر دوش بانک‌های تجاری می‌دانند و تمایل به ذخایر قانونی صفر دارند. برخی از کشورها نیز همانند سوئیس در سال ۱۹۸۸ ذخایر قانونی صفر درصد را تجربه کرده‌اند و دولت کانادا نیز در سال ۱۹۹۰، نرخ ذخایر قانونی را صفر اعلام کرد. اینکه آیا نرخ ذخایر قانونی صفر درصد موفق خواهد بود یا نه نیاز به زمان و تجربه بیشتری است.

به نظر نمی‌رسد هیچ‌کدام از موارد بالا (ذخیره قانونی ۰ یا ۱۰۰ درصد)، مغایرتی با احکام شرعی داشته باشد. بانک مرکزی می‌تواند با انتخاب نرخ مناسب به کنترل نقدینگی و نظام ذخایر بپردازد. در واقع می‌توان گفت، نظام ذخایر قانونی تاکنون به خوبی عمل کرده است و دلیل محکمی بر نفی این ابزار در نظام بانکداری بدون ربا وجود ندارد. نحوه نگهداری از ذخایر و دیگر جنبه‌های آن از دولتی به دولت دیگر و در شرایط مختلف می‌تواند متفاوت باشد. این ذخایر را می‌توان به صورت نقد در صندوق بانک مرکزی نگهداری کرد و یا به صورت اوراق قرضه دولتی و یا همزمان هر دو روش را انتخاب کرد. اینکه آیا باید ذخایر قانونی فقط مختص سپرده‌ها باشد یا می‌توان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نیز مشمول این قانون باشد، چندان مهم نبوده و به سیاست بانک مرکزی برای کنترل نظام بانکداری و میزان نقدینگی بستگی دارد. البته ضمانت بیشتر، به معنای پوشش بیشتر انواع سپرده‌هاست، لیکن این به معنای درآمد کمتر برای بانک‌های تجاری و کاهش قدرت خلق پول و اعتبار توسط بانک مرکزی خواهد بود. تصمیم‌گیری در این مورد نیز از اختیارات بانک مرکزی بوده و به سیاست‌ها و اهداف این نهاد بستگی دارد (زنگنه و سلام، ۱۹۹۳).

ابزارهای کنترلی منتخب دیگری نیز در کنار ابزارهای عمومی بحث شده وجود دارد که به‌هنگام ناکارایی آن‌ها، می‌توان با توسعه این ابزارها به کنترل اعتبار و نقدینگی پرداخت. به‌عنوان مثال، بانک مرکزی با گشایش اعتبار و فروش اقساطی برخی کالاها و تعیین میزان سپرده‌گذاری لازم به‌عنوان پیش‌پرداخت و تعداد و مقدار اقساط بازپرداختی، نقش تعیین‌کننده‌ای در خلق

اعتبار و میزان سپرده‌گذاری دارد. تعیین سقف اعتبار برای افراد وام‌گیرنده نیز از دیگر ابزارهای کارآمد نظام بانکی است. به عقیده بسیاری از تحلیلگران گستردگی و تنوع روش‌های کنترلی در بانکداری بدون ربا، بر کارایی بانک مرکزی در کنترل نظام بانکی به‌هنگام نیاز به اعمال تغییر، می‌افزاید. به عبارت دیگر، زمانی که نیروی بازار در تخصیص منابع برای تولید و توزیع مناسب، کافی نباشد، باید با استفاده از این ابزارها زمینه توسعه و رفاه جامعه و کشور را فراهم کرد. بی‌گمان باید نسبت به انحراف‌هایی که ممکن است در عملیات بازار باز و به‌کارگیری سایر ابزارها به‌وجود آید نیز هوشیار بود. در ادامه به برخی دیگر از ابزارهای مناسب برای سیستم بانکداری بدون ربا اشاره می‌شود.

۴-۲- تشویق اخلاقی

از روش‌های متداول ترغیب بانک‌های تجاری به اجرای صحیح سیاست‌های بانک مرکزی است. این ابزار در نظام بانکداری بدون ربا که با توافق طرفین شکل می‌گیرد نقش مفیدی خواهد داشت.

۵-۲- نرخ تسهیم سود

از ابزارهای کنترل اعتبار در دسترس بانک‌های مرکزی اسلامی است. در نظام بانکداری بدون ربا، میزان عرضه پول و سطح فعالیت اقتصادی را می‌توان با تعیین سهم سود بانک‌های تجاری و مشتریان از یک سو و سهم بانک‌های تجاری و سپرده‌گذاران را از سوی دیگر، کنترل کرد. از این-رو بانک مرکزی مسئولیت و اختیار تعیین این نرخ و سهم هر یک از طرفین را بر عهده دارد. هدف از تعیین سهم سرمایه‌گذاران، تنظیم سطح فعالیت اقتصادی در اقتصاد است. در حالی که تعیین سهم سپرده‌گذاران، به‌طور مستقیم بر عرضه پول در اقتصاد اثر می‌گذارد. بانک مرکزی می‌تواند به جای تعیین مقدار دقیق سود، بازه‌ای از سود را تعیین کند تا با این روش هم درجه‌ای از همسانی و یکنواختی را بین بانک‌های نظام بانکداری به‌وجود آورد و هم فرصت رقابت با یکدیگر را در قلمرویی مشخص به آن‌ها بدهد. تعیین سهم سود، از ابزارهایی است که در بانک‌های مرکزی سنتی وجود نداشته و تا حدودی جدید است. اگر متوسط سود به‌دست آمده را m در نظر بگیریم، این سود بین سرمایه‌دار (S_m, m) و واسطه‌ها $[(1 - S)_m, m]$ تقسیم خواهد شد. اگر طبق تشخیص بانک مرکزی، بخشی از اقتصاد و یا منطقه‌ای از کشور نیاز به سرمایه‌گذاری و توجه ویژه داشته باشد، بانک مرکزی می‌تواند با کاهش سهم سرمایه‌گذار، سرمایه را به آن بخش هدایت کند و این

مستلزم تقاضای سهم کمتر سود به دست آمده از این مناطق توسط بانک‌های تجاری است که با استفاده از ترکیب سایر ابزارهای کنترل امکانپذیر خواهد بود.

۶-۲- تعیین نرخ ارز

از تصمیماتی است که توسط بانک مرکزی و یا دولت اتخاذ می‌شود. بانک مرکزی یا دولت، سه گزینه برای تعیین نرخ ارز پیش‌رو دارند. می‌توانند اجازه دهند بازار ارز، خود به تعادل رسیده و نرخ ارز تعادلی را تعیین کند، یا نظام تعیین نرخ ارز ثابت را برگزیند و یا حد وسطی از این دو روش را انتخاب خواهند کرد. به این صورت که بازار ارز نرخ تعادلی را تعیین خواهد کرد و دولت یا بانک مرکزی با دخالت در آن مانع نوسان‌های شدید نرخ ارز خواهد شد. این روش که اغلب در غرب رایج است به نام نظام نرخ ارز شناور شناخته شده است. انتخاب هر یک از این روش‌ها به سطح کنترلی بستگی دارد که حاکمان در صدد اعمال آن در اقتصاد هستند. هر چند بانک مرکزی می‌تواند به دلایل سیاست‌های مقابله با تورم، نرخ ارز را در سطح معینی نگه دارد، لیکن نمی‌تواند برای مدت طولانی با ارزش‌گذاری بیش از حد پول رایج کشور خود از تورم جلوگیری کند و سرانجام به اجبار نرخ ارز واقعی را اختیار خواهد کرد.

خان^۱ (۲۰۰۴)، اشاره می‌کند که یکی از دلایل شکست نرخ بهره صفر در گذشته نبود ایجاد بستر و سیاست‌های مناسب برای موفقیت بانکداری اسلامی بوده است. وی بر این باور است که به جای تحمیل سود صفر به وسیله دستور مراجع قانونی، می‌توان از نیروهای بازار به این منظور استفاده کرد. او برای تحقق این امر به ایجاد انگیزه برای تأمین مالی از طریق سهام اشاره می‌کند و سیاست‌های بانک مرکزی را برای رسیدن به این هدف به شرح زیر معرفی می‌کند:

۱- کاهش نرخ ذخیره قانونی به منظور افزایش عرضه وجوه جهت اعطای وام

۲- تأکید بر بدهی نامحدود

۳- کاهش تدریجی تمایل به تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌هایی از طریق وام و هدایت این سرمایه‌گذاری‌ها به سمت تأمین مالی از طریق سهام،

۴- معافیت مالیاتی درآمد حاصل از سهام

۵- ارائه انگیزه‌های مالی برای شرکت‌هایی که دارای نسبت بدهی کمتری هستند و برعکس برای شرکت‌هایی که دارای نسبت بدهی بالایی می‌باشند

¹ Khan

۵- شیوه‌های مرسوم در کشورهای اسلامی

تقریباً در تمامی کشورهای اسلامی، ترکیبی از ابزارهای سیاستی مختلف مانند حداقل نرخ ذخیره قانونی، عملیات بازار باز و نرخ تنزیل، برای اجرای سیاست‌های پولی به کار گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، تغییر در نرخ ذخایر قانونی، از مهم‌ترین ابزارهای پولی به کار گرفته شده در عربستان سعودی است. ابزارهای کنترل اعتبارات مانند تعیین سقف اعتبار، حاشیه نقدینگی و محدودیت‌های وام‌دهی نیز از دیگر ابزارهای مورد استفاده در این کشور است. در برخی از کشورها مانند سودان و مالزی، مقررات خاصی را برای نقل و انتقالات مالی تعیین کرده‌اند. بانک مرکزی سودان، از طریق خرید برگه‌های مالی به نام "سکوک"^۱ به حمایت از بانک‌های اسلامی که دچار مشکلات مالی شده‌اند می‌پردازد. بانک مرکزی مالزی نیز به‌طور مبتکرانه موفق به ایجاد کالاهای مالی متنوعی شده است که از خرید و فروش آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های پولی خود بهره می‌گیرد.

کشورهای پاکستان و مالزی، نسبت به دیگر کشورهای اسلامی در مدیریت پول و اجرای سیاست‌های پولی پیشرو هستند. در پاکستان، دو نوع قرارداد بین بانکی به نام‌های مشارکه بین بانکی و وکاله بین بانکی به‌عنوان قراردادهای استاندارد در صنعت مالی اسلامی این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. مشارکه بین بانکی، نوعی شراکت محدود و کوتاه مدت است که بانک‌ها را برای سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای از اموال با نرخ مشارکت از پیش تعیین شده فرا می‌خواند. بین بانکی وکاله نیز نوعی قرارداد مدیریت سرمایه‌گذاری است که براساس آن سرمایه‌گذار وجوهی را در اختیار بانک برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف قرار می‌دهد. بانک اسلامی، به‌عنوان یک آژانس سرمایه‌گذاری ارائه خدمات می‌کند. بازار پول بین بانکی اسلامی مالزی در سال ۱۹۹۰ برای عرضه منابع مالی برای سرمایه‌گذاری کوتاه مدت طبق اصول شرعی ایجاد شد. از طریق این بازار، بانک‌های اسلامی و شرکای آن‌ها در طرح بانکداری اسلامی که وجوه سرمایه‌ای را به‌صورت کارا و اثربخش با هم ترکیب می‌کند، شرکت می‌کنند.

برخی از ابزارهای بازار پول و نقدینگی که در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از:

- بیع سلام که در تنزیل برات به کار می‌رود.
- اجرای طرح مشارکه.

¹ Sukuk

- تجارا که برای مدیریت کوتاه مدت نقدینگی به کار می‌رود.
- سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار از طریق مدیریت ائتلافی کوتاه مدت.
- عرضه اوراق قرضه سازگار با اصول شرعی مانند صکوک.

نتیجه‌گیری

با افزایش توجه کشورهای اسلامی به بانکداری اسلامی، لزوم طراحی ابزارهای سیاستی مناسب برای بانک مرکزی در قالب بانکداری بدون بهره بیش از پیش احساس می‌شود. مطالعات اندکی به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته‌اند و نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این حوزه به شدت احساس می‌شود. این مطالعه سعی نمود تا با جمع‌آوری و تحلیل نتایج مطالعات موجود، راه را برای اجرایی کردن هر چه بهتر بانکداری اسلامی هموارتر کند. نتیجه کلی که از مجموع این مطالعات می‌توان گرفت، عبارت است از آن است که برای دستیابی به موفقیت در نظام بانکداری بدون ربا می‌بایست سه هدف زیر در صدر برنامه‌ریزی‌های بانک مرکزی قرار گیرد:

اول- فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی مناسب برای تأمین مالی اسلامی با وجود نرخ سود صفر

دوم- تغییر سیاست‌های اقتصادی به‌منظور سازگاری با این روش‌های تأمین مالی

سوم- مدیریت تغییرات ایجاد شده

کتابنامه

Al-Jarhi, Mabid Ali: *Towards an Islamic Monetary and Financial System: Structure and implementation*, Arabic Language Publications Series No.5, Jeddah: International Center for Research in Islamic Economics, King Abdulaziz University, 1981.

Fisher, Irving: *100% Money*, New York: The Adelphi Company, 1935.

Freidman, Milton: *The Monetary Theory and Policy of Henry Simons*, in Milton Freidman's *The Optimum Quantity of Money and Other Essays*, Chicago: Aldine Co, 1969.

Chapra, Umer M. *Monetary Policy in an Islamic Economy*, Islamabad: Institute of Policy Studies, 1983.

Golembe, C.H. and Mingo, John J. *Can Supervision and Regulation Ensure Financial Stability? Paper presented at the Conference on the Search for Financial Stability: The Past Fifty Years*, Federal Reserve Bank of San Francisco, June, 1985.

Kahf, Monzer: *Saving and Investment Function in a Two Sector Islamic Economy, in Mohammed Ariff (ed.)*, Monetary and Fiscal Economics of Islam, Jeddah: International Centre for Research in Islamic Economics, pp. 107-123, 1982.

Karecken, John H: *Ensuring Financial Stability*, Paper presented at the Conference on the Search for Financial Stability: The Past Fifty Years, Federal Reserve Bank of San Francisco, June 1985.

Khan, Muhammad A: *Inflation and the Islamic Economy: A Closed Economy Model*, International Centre for Research in Islamic Economics, King Abdul Aziz University Press, Jeddah, 1982.

Khan, Muhammad A: *Elimination of Interest: A Proposed Strategy*, Renaissance. Vol 14, Issue 1, 2004.

Shaikh, Salman: *Monetary Policy & Monetary Regime in an Interest Free Economy: An Alternate Approach In Monetary Economics amidst Great Recession*. MPRA, Unpublished, 2010.

Simons, Henry: *Economic Policy for a Free Society*, University of Chicago Press, 1948.

Siddiqi, Muhammad N. *Monetary Policy: A Review*, International Centre for Research in Islamic Economics, King Abdul Aziz University Press, Jeddah, 1982.

Uzair, Mohammad: *Central Banking in an Interest-Free Banking System*, in Mohammad Arif (ed.) 'Monetary and Fiscal Economics of Islam,' pp. 211-235, International Centre for Research in Islamic Economics, Jeddah, 1982.

Zangeneh, Hamid and Salam, Ahmed: *Central banking in an Interest Free Banking System*, JKAU, Islamic Economics, Vol. 5, pp. 25-36, 1993.